

بررسی برخی نام‌های بر جا مانده از قوم کاسی در لرستان امروز

محمد میرزایی رشنو

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Kasit_rashnoo@yahoo.com

09362923510

چکیده

استان لرستان و در کل مناطق مرکزی زاگرس نسبت به دیگر نقاط کشور ایران از لحاظ حفظ اصالت زبانی در موقعیت برتری قرار دارد و جزء چند استان محدودی می‌باشد که توانسته است، فرهنگ و ادبیات بومی خود را تا حد امکان از عهد باستان تا به امروز دست نخورده نگه دارد. برای مثال در میان گویش‌های رایج در این استان (لکی، خرم‌آبادی و بختیاری) لغات و نام‌هایی وجود داشته که ریشه در زمان‌های گذشته و حتی عصر آهن (اوج مفرغ سازی در لرستان) دارد. این لغات در اوستای زرتشت نیز دیده می‌شوند که نشان‌دهنده استفاده از این لغات در ایران باستان بوده است. جالب اینکه این نام‌ها و القاب امروزه مورد استفاده فراوانی دارند، ولی هنوز تحقیق جامعی در این باره صورت نگرفته است.

این مقاله سعی دارد تا چند مورد از این اسامی را شناسایی و بررسی کرده، و رابطه امروزی آن با گذشته را نمایان کند.

واژگان کلیدی: کاسیان، لرستان، نام‌ها، ادبیات بومی

قوم کاسیت به خاطر هنر مفرغ‌سازی‌شان در سراسر دنیا معروف هستند و موزه‌های معتبر دنیا به این اشیای مفرغی کاسیان مزین شده‌اند. این قوم ۵۷۶ سال بر بابل حکومت کرد و این شهر بزرگ و باستانی آن زمان را به زیر سلطه خویش درآورد. کاسیان شکست نخوردند، مگر به دست دولت ایلام که توانست کاسیان را از بابل بیرون براند و این باعث شد که کاسیان به موطن اصلی خود یعنی ((لرستان)) بازگردند. کاسیان پس از بازگشت از بابل و بین‌النهرین بیکار ننشستند و توانستند هنر مفرغ‌سازی را به اوج خود برسانند به طوری که رومن گیرشمن باستان‌شناس معروف در مورد آنها چنین می‌گوید که «هنر ایران باستان یعنی هنر مفرغ‌سازی لرستان» (گیرشمن، ۱۳۸۶: ۷۶). او بر این عقیده بود که اوج هنر ایرانیان باستان در هنر برنزه‌های لرستان می‌باشد، البته گیرشمن سازنده‌گان اشیای مفرغی لرستان را کیمریان می‌داند (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۴۲). کاسیت‌ها بر حکومت‌های پس از خود نیز تاثیرات به سزایی گذاشتند از جمله اینکه در طرز کوچک نمودن تصاویر، آنان پیشوای هنرمندان جانور نگار عهد هخامنشی بوده‌اند. تاثیرات فرهنگی قوم کاسی تا به امروز در میان مردمان زاگرس و دیگر نقاط فلات ایران به جا مانده است.

به عقیده محمد سهرابی لباس شال و ستره‌ایی که امروزه در میان مردمان لرستان رایج است همان لباسی است که کاسیان می‌پوشیده‌اند (سهرابی، ۱۳۷۶: ۲۱۶). حوضه استقرار کاسیان قبل از فتح بابل، از شمال به شهر کرمانشاه و از جنوب تا پلدختر، از غرب به شهر مهران و از شرق تا نهاوند گسترش داشته است. آثاری که از کاسیان بر جای مانده اکثراً اشیای مفرغی هستند که به طور وحشیانه‌ایی توسط عوامل داخلی و خارجی به سرقت رفته‌اند، و کمتر از طریق حفاری‌های علمی باستان‌شناسی به دست آمده‌اند. البته باستان‌شناسان معروفی چون آقایان اشمیت، لویی واندنبرگ و ... نیز مطالعاتی را در نقاط باستانی لرستان انجام داده‌اند.

روش تحقیق:

در این تحقیق ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ایی نظرات مختلف در رابطه با موضوع مورد نظر را جمع‌آوری کرده و سپس گفته درست‌تر را بیان می‌کند. دلایل گفته شده بر اساس مستندات موجود در منابع اینترنتی و کتابخانه‌ایی می‌باشد.

پیشینه تحقیق:

در مورد موضوع مورد نظر آقای محمد سهرابی در کتاب لرستان و تاریخ قوم کاسیت توضیحات زیادی داده، اما به طور جداگانه و کافی تحقیقی صورت نگرفته است.

واژگان مشترک بین امروز و زمان کاسیان در لرستان:

۱: واژه کاسی:

الف) مفهوم واژه کاسی:

مفهوم این واژه را نمی‌توان امروزه به طور دقیق مشخص کرد. سهرابی به نقل از گیرشمن معتقد است که واژه (کاشو) نام خدای بومیان قدیم لرستان بوده است. به نظر او این واژه (کاسی تیروس) یک واژه یونانی است و به معنای فلز (قلع) و آن را از سرزمین کاسی‌ها می‌آوردند (سهرابی، ۱۳۷۶: ۹۰-۸۹).

به هر حال ممکن است که اصطلاح کاس- سی یا کاسپی شامل نژادی وسیع بوده است که فراتر از قوم واحد معروف کاسی بوده باشد و این نام روزگاری به طور عام به همه اقوام مسکون در کوههای زاگرس اطلاق می-

شده، که در دوره پیش از ورود آریایی‌ها به ایران در نواحی مذکور به سر برده‌اند و از آنان به نام اقوام آسیانی در تاریخ یاد شده است.

نام کاسیان چنانکه بعدها توسط استرابون یاد شده به منزله میراثی است از سکنه بسیار قدیم ناحیه زاگرس میانی و غرب و جنوب غربی ایران.

سهرابی به نقل از راولینسون می‌نویسد که واژه کاسی به شکل کوسایویی بوده و در زمان اسکندر یونانیان به مردم لرستان اطلاق می‌کردند. به احتمال قرین به یقین کاشو مساوی است با کاش - شو نام خدای قبیله‌ای قوم مذکور بوده است (همان). نکته جالب توجه وجود دهستان و منطقه‌ای در لرستان امروزی به نام کاسیو می‌باشد، این دهستان در اراضی شرقی دره هرو قرار دارد.

ب) مقایسه واژه کاسی و کاسپی:

از گفته‌ها و نوشته‌های برخی از دانشمندان به روشنی معلوم می‌گردد که این دو واژه با هم تفاوت چندانی ندارند جزء اینکه واژه کاسی مفرد و کلمه کاسپین جمع آن است. سهرابی این بار به نقل از هرتسفلد می‌نویسد اگر بنا باشد اسمی به سکنه ایران پیش از آریایی‌ها داده شود هیچ کلمه‌ای شایسته‌تر از واژه کاسپین نیست (همان: ۹۳). ریشه این کلمه را می‌توانیم در بسیاری از نقاط ایران بیابیم و روشن‌تر از همه بحر کاسپین (خزر) است. دیاکونوف به نقل از و. ای. علی اف می‌نویسد: اصطلاح (آر ی بی) یا (آر ی پی) که یک بار در متن آشوری در مورد بخشی از مردم ماد شرقی (مادهای دور دست) به کار رفته است، از ریشه (آری) آریا + پسوند عیلامی «پ» تشکیل شده و به معنای آریاها (جمع) می‌باشد (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۱۰۱). بنا بر این شواهد معلوم می‌گردد که حرف پ در واژه کاسپی نشانه جمع بوده و از زبان عیلامی به زبان کاسی رسیده است. برخی از دانشمندان کاسیان و عیلامیان را خویشاوند یکدیگر دانسته‌اند. اگر این موضوع را بپذیریم می‌توان تصور کرد که زبان عیلامی با زبان کاسی قرابت داشته است.

برخی از پژوهشگران از یک زبان واحد به نام عیلامی - کاسپی سخن رانده‌اند. این زبان گویش متداول اقوام باستانی قبایل ساکن در سرزمین ایران به ویژه کوههای زاگرس بوده و بعداً مادها و پارس ها در داخل اقوام مذکور جای گرفته‌اند و زبان آریایی جای زبان عیلامی - کاسپی را گرفته است.

ج) صورت‌های مختلف واژه کاسی:

واژه کاسی در اسناد و منابع تاریخی به اشکال گوناگون نوشته شده است در متون و زبان اشوری به صورت کاشو یا کاشی نوشته شده است. از قوم کاسی به نام‌های هسی، اوکسی، اوکسیان و هوزی یا خوزی یاد شده است. اشکال دیگر این واژه عبارتند از کوسی، کوس - سی، کاش - شو، کوشین، کوسان، کاسو، کاسیت، کشو، کاسیوس، کوسای، کیس - سی، کاسکان، کوسه، کاسپی، اکسیان، اکس - سی و غیره (سهرابی، ۱۳۷۶: ۸۹-۸۸). نام قدیمی شهر کنونی همدان پیش از ورود مادها در دوره اقوام کاسی اکسیان بوده است (رضایی، ۱۳۷۸: ۳). سهرابی به نقل از استرابون جغرافیدان یونانی از کاسیان به نام کوسایوئی یاد کرده است. احتمال می‌رود واژه - های که امروز به نام‌های، کوشک، کوشکی، کوسه، کاسیو که بر اماکن جغرافیایی یا طوایف در لرستان اطلاق می‌شود بازمانده و یادگار اقوام معروف کاسیان باشند. او این بار به نقل از مرحوم شیخ محمد مردوخ معتقد است که واژه‌های امروزی کاک، کاکا، کاکاوند، کاکه و مانند اینها مأخوذ از واژه کاسی هستند (سهرابی، ۱۳۷۶: ۸۹). برخی معتقدند که نام رود کشکان که از رودهای مرکزی لرستان می‌باشد، از نام کاسکان یا کاسیان یا کشو گرفته شده است. امروزه نام کاسپین یعنی نام قدیمی دریای خزر و شهر قزوین شکل دیگری از واژه کاسی است. احتمال می‌رود که نام شهر کنونی کاشان مأخوذ از همین واژه باشد بنا به روایات تاریخی در اواسط هزاره سوم در شمال خوزستان امروز یا جنوب لرستان محلی به نام کاشن وجود داشته است. شاید این مکان بعدها تبدیل به شهر اللور باستانی در دوره‌های اسلامی شده باشد (همان).

یونانیان به فلز قلع (کاسی تیروس) می‌گفتند یعنی همان فلزی که از ناحیه کاسیان بدست آمده است (رضایی،

۱۳۷۸: ۳).

۲- رشن یا رشنو:

این نام که امروزه نام یک طایفه بزرگ در لرستان و دیگر استان‌های لر نشین همجوار می‌باشد، در گذشته نام یک خدا بوده است. گیرشمن در مورد خدای رشن معتقد است که او خدای عدالت و داوری بوده، او در ادامه رشن، اشی و سروش را داوری کننده روح مردگان می‌داند (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۵). نکته قابل توجه آن است که مردم طایفه رشنو به دو نوع زبان لکی و لری تکلم دارند. در واقع رشنوهای شهرستان سلسله لک زبانند اما رشنوهای بالاگریوه لر زبانند و در صورتی که از یک طایف و نژاد هستند. این ویژگی استثنایی استان لرستان و قوم لر می‌باشد که برخلاف گفته برخی از عوام، که ریشه مردمان لک زبان و لر زبان را یکی نمی‌دانند، یکی از دلایل بی‌شمار یکی بودن آنها است.

۳- اشه یا اشی:

اشه بانو نامی است که امروزه در میان پیروزانهای استان دیده می‌شود. گیرشمن با توجه به گفته‌های اوستا اشی را خواهر سروش دانسته و او را الهه باروری و بارداری می‌داند (همان). برخی از سرسنجاق‌های لرستان یک زن را در حال زایمان نشان می‌دهند و یا صورت تمام رخ یک زن دیده می‌شود (شکل ۱، ۲ و ۳). خانم یکتافر معتقد است که « زنان برای زایمان بهتر و باروری گله‌هایشان نقش الهه اشی (خدای باروری) را که نماد زایش بوده را به منظور برآورده شدن حاجاتشان به صورت نذری به استاد مفرغ‌کار سفارش می‌دادند و آن را بر روی دیوار معابد و زیارتگاه‌ها می‌زدند » (یکتافر، بی‌تا: ۶). او در ادامه سرهای انسانی که بر روی صفحات مدور آینه‌ها یا سرسنجاق‌ها تجسم یافته را نماد الهه مادر و مظهر آبادانی و باروری می‌داند. او همچنین نشانه‌های این الهه را شیر یا بزهای کوهی دانسته و با توجه به گفته‌های اوستا معتقد است که او را خواهر سروش می‌باشد.

نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر به شرح زیر می باشد:

۱- اشیاء مفرغی کاسیان شاهکارهای عصر آهن فلات ایران هستند و این قوم با فرهنگ، شگفت انگیزترین آثار هنری ایرانیان را ایجاد کرده اند.

۲- اسامی به جا مانده مانند کاسپین، کشکان، کوسه، کاشان و... که هر کدام نام مکانی هستند، از نام قوم کاسی گرفته شده اند و مربوط به این دوره از تاریخ ایران می باشند.

۳- طرز لباس پوشیدن کاسیان شباهت زیادی با شال و ستره مردم امروزی عشایر لرستان دارد.

۴- کلمه کاسپین که امروزه بر دریای خزر نامیده می شود، جمع کلمه کاسی است.

۵- رشنو که امروزه یکی از طوایف بزرگ لرستان است، در زمان کاسیان در این ناحیه نام خدای عدالت و داوری بوده است.

۶- اشه بانو که امروزه در بین زنان لرستان یک اسم برای نامیدن آنهاست، در زمان کاسیان نام یک الهه بوده و وظیفه افزایش گله ها و رمه ها را داشته و همچنین کار زایش برای بانوان را راحت می کرده، به طوری که نقش او بر روی بسیاری از سرسنجاق های مفرغی لرستان دیده می شود.

منابع:

- ۱- یکتافر، مریم، شاهکارهای مفرغی لرستان، نشریه هنرهای تجسمی، شماره ۱۲، ۱۳۹۰
- ۲- دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ، تاریخ ماد، کریم کشاورز، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۸۳
- ۳- رضایی، عبدالعظیم، گنجینه تاریخ ایران، تهران، انتشارات اطلس، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۷
- ۴- سهرابی، محمد، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، خرم‌آباد، انتشارات افلاک، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۵- کالیکان، ویلیام، باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها، ترجمه گودرز اسعد بختیار، تهران، انتشارات پازینه، چاپ دوم، ۱۳۸۵
- ۶- کورتیس، جان، ایران باستان به روایت موزه بریتانیا، ترجمه، آذر بصیر، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۸۵
- ۶- گیریشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- ۷- _____ هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۹۰
- ۸- صفی‌زاده، صدیق، تاریخ پنج هزار ساله ایران، تهران، انتشارات آرون، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۸۲



شکل ۲



شکل ۱



Archive of